

نامادری راز دختر نوجوان را لو داد

23 شهریور 1404

دختر نوجوان وقتی تلفنی با شریک خود در سرقت درباره اموال مسروقه حرف می‌زد، نمی‌دانست نامادری‌اش شنیده و راز آنها را به پلیس لو می‌دهد.

چندی قبل مرد طلافروشی در تماس با پلیس از سرقت خانه‌اش خبر داد و گفت: «شب در خانه مادر زنم میهمان بودیم اما وقتی برگشتیم، با در تخریب شده خانه و سرقت حدود ۴ میلیارد تومان طلا، سکه و دلار از گاوصندوق خانه‌ام روبه‌رو شدم.»

سارق آشنا

با شکایت مرد طلافروش، تحقیقات آغاز شد و دوربین‌ها نشان داد دو نفر نقابدار در حالی که سر تا پا لباس مشکی پوشیده‌اند، سناریوی سرقت را رقم زده‌اند. از جثه و ظاهر یکی از سارقان به نظر می‌رسید که یکی از آنها زن است. از سویی مأموران در بررسی خانه دریافتند سارقان با کلید وارد شده‌اند اما برای رد گم‌کنی قفل در را تخریب کرده‌اند. بنابراین فرضیه سرقت از سوی آشنا قوت گرفت.

سرنخ دستگیری

در حالی که تحقیقات برای شناسایی سارقان ادامه داشت، چند هفته بعد زن جوانی با مراجعه به پلیس گفت: «فکر می‌کنم سارق خانه خواهرم را پیدا کرده باشم.»

او ادامه داد: «من چند سال قبل با مردی ازدواج کردم که از ازدواج اول یک دختر دارد؛ او از اول هم با من سر ناسازگاری داشت و مدام با هم در جدال و دعوا بودیم. دیروز مشغول کار در خانه بودم که صدای فریادش را از اتاق شنیدم، انگار با کسی تلفنی حرف می‌زد. وقتی پشت در رفتم با اینکه صدایش را پایین آورده بود، اما شنیدم که می‌گفت «باید سهم مرا بدهی، من نقشه سرقت از خانه زهره را کشیدم و همه کارها را من انجام دادم؛ حالا طلاها و دلارها را برداشتی و می‌خواهی مرا دور بزنی؟» با شنیدن اسم خواهرم کنجکاو شدم؛ چند هفته قبل از خانه‌شان سرقت شده بود و فکر کنم سرقت کار این دختر و دوستش باشد.»

با اطلاعاتی که زن جوان در اختیار مأموران قرار داد، پس از هماهنگی‌های لازم دختر ۱۶ ساله دستگیر شد و در تحقیقات اعتراف کرد که با همدستی پسری به نام نیما، سرقت را انجام داده است. با برملا شدن هویت نیما، پسر ۲۲ ساله نیز بازداشت شد و به سرقت اعتراف کرد.

سرقت به خاطر ازدواج

مرضیه همایونی